



نقش قوه قضائیه در تأمین امنیت روانی شهروندان در راستای احیای حقوق عامه^۱

فاطمه افشاری*، مینا اکبری**

چکیده

طبق بیانات مقام معظم رهبری تأمین امنیت روانی شهروندان به مثابه یکی از مصادیق حقوق عامه و از جمله وظایف قوه قضائیه محسوب می‌گردد. مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که قوه قضائیه در تأمین امنیت روانی شهروندان چه نقشی دارد؟ در این نگاشته با بهره‌گیری از صاحب‌نظران و متخصصان رشته‌های مختلف و با استناد به مطالعات کتابخانه‌ای به این مسئله پرداخته شد که محوریت حقوق و آزادی‌های شهروندان و جلب اعتماد آنان از مسیر رعایت اصل حاکمیت قانون از جمله اقدامات مؤثر در راستای ارتقای سطح امنیت روانی است و در نسبت میان تأمین امنیت و تضمین آزادی‌ها با استفاده از سه معیار مناسبت، ضرورت و تناسب می‌توان موازنه ایجاد نمود. نظر به اینکه بخش اعظم وظایف در این زمینه برعهده دولت است، ضروری است قوه قضائیه از طریق نظارت و مطالبه‌گری از دولت این

۱. محتوای اصلی این مقاله برآمده از نشست برگزار شده در پژوهشگاه قوه قضائیه با عنوان «امنیت روانی شهروندان و نقش قوه قضائیه در صیانت از آن» است که با مطالعه منابع دیگر از جمله کتب، مقالات و ... اصلاح و تکمیل گردیده و تحلیل نویسندگان نیز بدان افزوده شده است. در نشست حاضر علاوه بر نگارندگان مقاله حاضر که دیدگاه‌های خود را ارائه نمودند، آقایان و خانم‌ها دکتر مهدی هادی (رئیس پژوهشگاه قوه قضائیه)، دکتر مهدی صابری (عضو هیئت علمی سازمان پزشکی قانونی کشور)، دکتر نقی دشتی (رئیس اداره مشاوره و سلامت روان دانشگاه علوم پزشکی اردبیل)، حجت‌الاسلام والمسلمین مرادی (نماینده معاونت حقوق عامه دادستانی کل کشور)، دکتر شهید شاطری‌پور (عضو هیئت علمی پژوهشگاه قوه قضائیه)، دکتر فاطمه بداغی (سرپرست پژوهشگاه مطالعات حقوقی و قضائی) ایراد سخنرانی نمودند.

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه قوه قضائیه. نویسنده مسئول.

afshari399@jri.ac.ir

** استادیار، گروه حقوق عامه، پژوهشگاه قوه قضائیه، تهران، ایران.

minaakbari@jri.ac.ir

مهم را محقق نماید. علاوه بر این، بخش دیگری از جلب اعتماد مردم به دولت، ناشی از رفتار دستگاه قضاست. پیش‌بینی‌پذیری رفتار قضات، تناسب جرم و مجازات، کاهش اطاله دادرسی، حسن رفتار در برخورد با ارباب رجوع، تحقق برابری در مقابل قانون و رفتار صحیح با متهمان و محکومان از جمله مواردی هستند که دستگاه قضا به واسطه آن‌ها می‌تواند اعتماد مردم را افزایش و به تبع، سطح امنیت روانی در جامعه را ارتقا دهد.

واژگان کلیدی: امنیت روانی؛ قوه قضائیه؛ مقام معظم رهبری؛ حقوق عامه؛ احساس آرامش.



مقدمه

مسئله تحقق امنیت روانی در سطح جامعه، به طور مستقیم مرتبط با منافع عمومی جامعه است و اعضای آن جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اهمیت تأمین امنیت روانی در جامعه به میزانی است که تمامی کشورها از طرق مختلف به ویژه فضای رسانه‌ای و مجازی در پی تحقق آن هستند تا بدین طریق به اهداف دیگر خود با شهروندان همراه دست یابند. موضوع امنیت روانی و اهمیت آن در قرآن کریم نیز مورد توجه قرار گرفته است و در برخی آیات به صراحت و در آیه‌ای نیز به طور ضمنی به این مسئله توجه شده است.

در منظومه فکری مقام معظم رهبری، اهمیت بحث امنیت روانی به میزانی است که ذیل بحث حقوق عامه مطرح شده است و آن را جزو مصادیق حقوق عمومی می‌دانند. ایشان در مواردی که به طرق مختلف، امنیت روانی مردم نقض می‌شود و احساس امنیت از بین می‌رود، نقش قوه قضائیه را برخورد با این موارد از باب احیای حقوق عامه می‌داند. از سوی دیگر به موارد نقض امنیت روانی توسط دولت و قوه قضائیه نیز اشاره دارند که باید مورد اقدام قرار گیرد.

در راستای برخورد با موارد نقض قانون اساسی، در مواردی نمی‌توان به سهولت میان حقوق و آزادی‌های عمومی و مقابله با مصادیق تضییع‌کننده امنیت روانی تعادل برقرار نمود. لذا مسئله مهم در این پژوهش، نقش قوه قضائیه در تأمین امنیت روانی و مقابله با موارد نقض آن و در مرحله بعدی، حل تعارضات موجود میان این دو مفهوم مهم و بنیادین است. این مسئله و پاسخ به آن چالشی بزرگ فراروی محاکم قضائی اغلب کشورها در سراسر دنیا از گذشته دور تاکنون بوده است. برای تحقق امنیت روانی در جامعه، وجود برخی حمایت‌ها از یک سو و خودداری از اموری دیگر از سوی دولت لازم است. برخی امنیت روانی را بُعدی از مفهوم مصلحت عمومی می‌دانند و در پی حل تعارضات مجادله‌آمیز میان حقوق و آزادی‌های فردی و مصالح و منافع جمعی بر می‌آیند.

به عبارت دیگر، از آن رو که رعایت امنیت روانی جامعه به مثابه بُعدی از مفهوم مصلحت عمومی که منافع عمومی جامعه را دنبال می‌کند، در برخی کارزارها در مقام تعارض با حقوق فردی انسان‌ها همچون حق آزادی بیان و حق دسترسی به اطلاعات قرار می‌گیرد، شایسته است با پیش‌گرفتن رویکردی سازگار و متوازن در جهت حفظ منافع در عین حراست از حقوق برآمد و هیچ‌یک را قربانی دیگری ننمود.

نظر به اینکه دو وظیفه مهم احیای حقوق عامه و گسترش آزادی‌های مشروع از وظایف قوه قضائیه مصرح در قانون اساسی است و مقام معظم رهبری در بیانات خود امنیت روانی را یکی از مصادیق حقوق عامه بیان دانسته‌اند، تلاش در جهت حفظ امنیت روانی جامعه و برخورد با نقض آن در زمره وظایف بنیادین این قوه است. از سوی دیگر تأمین این وظیفه باید به نحوی انجام پذیرد که وظیفه دیگر

قوه قضائیه مبنی بر گسترش آزادی‌های مشروع نیز تأمین گردد و تعارضی میان انجام این وظایف ایجاد نگردد. تمام مواردی را دربردارد که متضمن نفع عمومی است؛ اما ذی‌نفع محصورى ندارد (ر.ک. کبگانی و دیگران، ۱۴۰۲، ۲۸۵-۳۱۵)

قانون مجازات اسلامی در برخی از جنبه‌ها سعی در تأمین امنیت روانی نموده است و به جرم‌انگاری نشر اکاذیب و شایعات و تحریف امور واقعی چه از طریق سامانه‌های رایانه‌ای (ماده ۷۴۴ قانون مجازات اسلامی، بخش تعزیرات^۱) و چه از طرق دیگر (ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی، بخش تعزیرات^۲ و نیز ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی^۳) که مسبب برهم خوردن امنیت روانی جامعه می‌گردد، پرداخته است؛ مقنن با جرم‌انگاری برخی از مصادیق مخدوش‌کننده امنیت روانی تلاش‌هایی در این راستا انجام داده است؛ اما با عنایت به گستره و نیز چندبعدی بودن این مفهوم و مصادیق بسیار متعدد و مختلف آن، نیاز به وجود بنیان نظری دقیق‌تر در این باب کاملاً ملموس است؛ لذا در راستای حرکت به سمت تأمین حد مطلوبی از امنیت روانی از سوی قوه قضائیه، به بررسی ابعاد این مسئله می‌پردازیم:

۱- سیری مختصر در آیات و روایات مرتبط با امنیت روانی

امنیت از موضوعات بسیار مهمی است که در قرآن و روایات، بسیار به آن اشاره شده است. برخی آیات به‌طور مستقیم و برخی دیگر به‌نحو غیر مستقیم به مسئله امنیت و به‌خصوص امنیت روانی می‌پردازد. اولین آیه که به‌طور مستقیم و اختصاصی، امنیت روانی را مورد بحث قرار می‌دهد، آیه ۸۳ سوره نساء است.

۱. ماده ۷۴۴- هر کس به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، فیلم یا صوت یا تصویر دیگری را تغییر دهد یا تحریف کند و آن را منتشر یا با علم به تغییر یا تحریف منتشر کند، به نحوی که عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از چهل و پنج روز و دوازده ساعت تا یک سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

۲. ماده ۶۹۸- هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله نامه یا شکوائیه یا مراسلات یا عرایض یا گزارش یا توزیع هرگونه اوراق چاپی یا خطی یا امضاء یا بدون امضاء اکاذیبی را اظهار نماید یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت رأساً یا به عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد اعم از اینکه از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان، باید به حبس از یک ماه تا یک سال و یا شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم شود.

۳. ماده ۲۸۶- هر کس به‌طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اختلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایرکردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آن‌ها گردد به گونه‌ای که موجب اختلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد.

خداوند در آیه می‌فرماید: «وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولَى الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ». این آیه اشاره به زمانی دارد که برخی افراد در مدینه وقتی اخباری مانند اخبار جنگ و... اعم از خوب و بد به آن‌ها می‌رسید، اخبار را شایع و پخش می‌کردند. برخلاف آیات قبل، در اینجا «رد» به خدا و پیامبر را ذکر نکرده چرا حکم شرعی نیست، بلکه خبری است که به وسیله شایعه سازان در بین مسلمین منتشر می‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۳: ج ۵، ۳۰ و ۳۱). واژه «استنباط» از ریشه «نبط» به معنای استخراج، تمیز و شناسایی است. در اینجا در واقع خبرهایی از امنیت جامعه است که نیاز به یک استنباط دارد و خداوند مسئولیت اصلی این استنباط را در آیه به پیامبر و اولی الامر جامعه داده است. در خصوص مفهوم اولی الامر در اینجا پنج قول وجود دارد. یکی از اقوال مفهوم اولی الامر، مبتنی بر آیه «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منكم»، حاکم جامعه اسلامی می‌داند.^۱

آیه دیگر در این باب، آیه ۶۰ سوره احزاب است که شدت آن بیشتر از آیه فوق است. در این آیه می‌فرماید: «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا».^۲ این آیه درباره مردمی از منافقین نازل شد که در مدینه زندگی می‌کردند و همواره به رسول خدا (ص) زخم زبان می‌زدند و چون آن جناب می‌خواست به جنگی برود، در بین مسلمانان انتشار می‌دادند که باز هم مرگ و اسیری و مسلمانان اندوهناک می‌شدند (طباطبایی، ۱۳۸۳: ج ۱۶، ۵۱۷ و ۵۱۸). در قسمت سوم آیه عبارت «المرجفون في المدينة» بیان شده است. این واژه برای افرادی در مدینه النبی استفاده می‌شود که کارشان ارجاف بود. واژه «ارجاف» به معنای اشاعه باطل و واژه مشابه آن در فارسی، اراجیف است. این افراد کسانی هستند که با خبرهای خود، اضطراب و لرزه به جان مردم می‌اندازند (ر.ک. همان: ج ۱۶، ۵۱۰)؛ یعنی با اشاعه سخنان یا خبرهایی که دروغ و باطل است و ریشه در واقعیت ندارد، موجب خوف مردم می‌شوند. علاوه بر مرجفون، در این آیه دودسته دیگر از افراد شامل منافقان و افراد مریض القلب را نیز مورد خطاب قرار داده است که با شایعه‌پراکنی، خوف و ترس در دل مردم می‌اندازند. این سخن دقیقاً منطبق با بحث امنیت روانی در جامعه است.

علاوه بر این دو آیه اختصاصی، در آیات بسیار زیادی به بحث امنیت اشاره شده است: آیه ۱۲۶ سوره

۱. برای دیدن این قول و اقوال دیگر ر.ک. طباطبایی، ۱۳۸۳: ج ۵، ۳۱ تا ۳۳؛ همچنین ر.ک. نجارزادگان و دیگران، ۱۳۹۶: صص ۲۳-۵۰.

۲. البته (بعد از این) اگر منافقان و آنان که در دل‌هاشان مرض (و ناپاکی) است و هم آن‌ها که در مدینه (بر ضد اسلام) تبلیغات سوء می‌کنند (و دل اهل ایمان را مضطرب و هراسان می‌سازند) دست (از این زشتی و بدکاری) نکشند ما هم تو را بر (قتال) آن‌ها برانگیزیم (و بر جان و مال آن‌ها مسلط گردانیم) که از آن پس جز اندک زمانی در مدینه در جوار تو زیست نتوانند کرد.

بقره^۱، آیه ۳۵ سوره ابراهیم^۲، آیه ۵۷ سوره قصص^۳، آیه ۶۷ سوره عنکبوت^۴، آیه ۴ سوره قریش^۵، آیه ۵۵ سوره نور^۶ از نمونه‌های آن هستند. به‌طور مثال به بررسی دو آیه ۱۲۶ بقره و ۳۵ ابراهیم، در کنار هم می‌پردازیم که به اهمیت مسئله امنیت در هر شهر و بلاد اشاره دارد. در زمان ورود حضرت ابراهیم (ع) به شهر مکه برای نخستین بار، اولین دعای حضرت آن است که «رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا». به این معنا که خدایا این مکان را اولاً شهر و محل سکونت قرار بده^۷ و دوم اینکه، آن را شهری امن قرار بده. در این آیه، «بلداً» به صورت نکره بیان شده است چرا که هنوز شهری تشکیل نشده بود؛ اما در آیه ۳۵ سوره ابراهیم، عبارت «رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا» و «البلد» با الف و لام معرفه به کار رفته است؛ چرا که دیگر آنجا تبدیل به شهر شده بود و پس از شهرشدن نیز مجدداً خواستار وجود امنیت در آنجا می‌شود؛ لذا باید بگوییم اولین چیزی که بعد از بلدیت و تمدن مورد نظر حضرت ابراهیم بوده، بحث امنیت شهر است که بخش مهمی از این امنیت نیز امنیت روانی است (پژوهشکده مطالعات حقوقی و قضائی، ۱۴۰۲)^۸.

در فقه و معارف اسلامی، کتاب و باب مستقلى در موضوع امنیت وجود ندارد، اما در حوزه موضوعاتی؛ مانند ایمان، صفات مؤمنین، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، دفاع فردی و عمومی، جهاد، برقراری قسط و عدل، قضاوت، اجرای حدود الهی، امانت و امانت‌داری، برخورد با اشرار، محاربان، باغیان، یاغیان، مفسدان و جاسوسان، رفع فقر و محرومیت، عدم سلطه بیگانگان، نوع تعامل با کفار و مشرکان و... مطرح شده است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۹: ۳۶). نظر به روایات متعدد در زمینه امنیت و امنیت روانی به ذکر چند نمونه اکتفا می‌کنیم: یکی از احادیث مهم در باب امنیت و جایگاه آن، روایتی از حضرت رسول اکرم (ص) وارد است که می‌فرماید: «النعمتان مجهولتان: الامن والعافیه (الصحه والامان)» (مجلسی، بی تا: ج ۷۸، ۱۷۰). در این حدیث، اهمیت و قدر امنیت

۱. «إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ»

۲. «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ»

۳. «وَقَالُوا إِن تَتَّبِعِ الْهْدَىٰ مَعَكَ نَخْطِفُ مِنْ أَزْوَاجِنَا أَوْ لَوْ كُنَّا نُمَكِّنُ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجَبِّي إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِنْ لَدُنَّا وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»

۴. «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيُتَخَفَتِ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ»

۵. «الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ»

۶. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»

۷. در آن زمان آنجا بیابانی بی آب و علف بود و محل سکونت مردم به مثابه یک شهر نبود.

۸. {استخراج آیات و بیان تفسیر} مهدی هادی (پژوهشکده مطالعات حقوقی و قضائی، ۱۴۰۲). ملاحظه برخی منابع تفسیری و سایر مطالب، توسط نویسندگان افزوده شده است.

را برابر با سلامت می‌داند که در مواقع به‌خطرافتادن آن، ارزش آن درک می‌شود. همچنین امام صادق (ع) در حدیثی اموری که نبود آن‌ها موجب نقصان در زندگی و ایجاد دل‌نگرانی می‌شود را بیان می‌کند که در مرتبه اول آن سلامتی و در مرتبه دوم، امنیت قرار دارد.^۱ این امر نشان‌دهنده جایگاه امنیت از منظر امامان معصوم (ع) در زندگی اجتماعی افراد است که اگر محقق نشود، حیات اجتماعی و روان آنان را مختل می‌سازد؛ همچنان که در مباحث آتی و در دسته‌بندی‌های نوین روان‌شناسی نیز اهمیت مبنایی امنیت به‌عنوان پایه دوم نیازها شناسایی می‌شود.

در نهج البلاغه نیز حضرت علی (ع)، اسلام را موجب ایجاد امنیت برای گروندگان می‌داند و بیان می‌کند: «خداوند اسلام را وسیله امنیت برای گروندگان قرار داد» و در سخنی دیگر اسلام را وسیله امنیت از ترس‌ها می‌داند که به‌طور خاص، به امنیت روانی اشاره دارد (سیدرضی، ۱۳۹۹: ۱۴۶ و ۴۹۴). در نامه ۵۳ (عهدنامه مالک اشتر)، صلح از آن جهت از سوی امام، مقدس و مطلوب به حساب آمده که راهی برای برقراری امنیت در جامعه است.^۲

۲- نگاهی به منظومه فکری مقام معظم رهبری در باب امنیت روانی^۳

مسئله امنیت از سال ۱۳۸۰ در سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی مطرح شده است. ایشان در این سال با تأکید بر موضوع امنیت، می‌فرمایند: «باید امنیت همه‌جانبه مورد توجه باشد، امنیت اجتماعی، امنیت اقتصادی، امنیت فرهنگی، امنیت آبرویی. مردم در نظام جمهوری اسلامی باید احساس کنند که جان، مال، فرزندان، ناموس، فکر، عقیده، سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی‌شان برخوردار از امنیت است».^۴

ایشان در دیدار با خانواده‌های شهدای هفتم تیر و مسئولان قوه قضائیه در مورخ ۱۳۸۶/۴/۷ بر وظیفه قوه قضائیه در باب پیگیری مسئله امنیت تأکید می‌نمایند: «دادن امنیت به مردم یک پایه‌ی همیش روی دوش قوه قضائیه است. درست است که دستگاه‌های گوناگون اجرایی هرکدام به‌نحوی در این کارها با قوه قضائیه شریک‌اند — مثلاً در امنیت اجتماعی، دستگاه‌های انتظامی با قوه قضائیه

۱. خمس خصال من فقد منهن واحده لم یزل ناقص العیش، زائل العقل، مشغول القلب: فالاولها صحة البدن و الثاني الأمن و... (مجلسی، بی‌تا: ج ۷۸، ۱۷۱)

۲. «فان في الصلح دعه لجنودك و راحه لهمومك و امناً لبلادك»: به درستی که آسایش رزمندگان و آرامش فکری تو و امنیت کشور در صلح تأمین می‌گردد (سیدرضی، ۱۳۹۹: ۴۲۴).

۳. {استخراج سخنان رهبری} دکتر شهید شاطری‌پور (پژوهش‌شده مطالعات حقوقی و قضائی، ۱۴۰۲). استخراج نکات و تحلیل توسط نویسندگان مقاله افزوده شده است.

۴. بیانات مقام معظم رهبری مورخ ۱۳۸۰/۰۲/۲۸.

شریک‌اند و باید استقرار امنیت کنند - اما نقش قوه قضائیه در اینجا چیست؟ این است که آن کسی که متجاوز است، از سوی قوه قضائیه آن‌چنان با او برخورد شود که مایه‌ی عبرت شود.

از سوی دیگر ایشان در سخنان دیگر خود تصریح می‌نمایند که امنیت روانی از مصادیق حقوق عامه است و باتوجه به وظیفه قوه قضائیه مطابق قانون اساسی بر احیای حقوق عامه، تنبیه و مجازات ناقضان امنیت روانی را وظیفه قوه قضائیه می‌دانند. «معظم‌له در دیدار با مسئولان قوه قضائیه در سال ۱۳۹۸ می‌فرمایند: «وظیفه‌ی قوه فقط قضاوت کردن و محکمه‌داری نیست؛ وظیفه‌ی قوه فراتر از این‌ها است. در قانون اساسی احیای حقوق عامه جزء وظایف قوه قضائیه است؛ احیای حقوق عامه، خیلی دامنه‌ی وسیعی دارد؛ از مسئله‌ی اقتصاد تا مسئله‌ی امنیت تا عرصه‌ی بین‌المللی، جایگاه حقوق عامه است... یا فرض بفرمایید گسترش عدل و آزادی که خب این گسترش عدل در کنار گسترش آزادی است؛ [منظور از] آزادی هم البته در قانون اساسی، آزادی‌های مشروع است؛ معلوم است. گسترش آزادی هم جزء وظایف شما است...»^۱.

تصریح بیشتر بر مسئله امنیت روانی و وظیفه قوه قضائیه در باب احیای حقوق عامه جهت مقابله با ناقضان امنیت روانی در جامعه، بیانات ایشان در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه - ۱۴۰۱/۴/۷ است. در این سخنان علاوه بر تأکید بر مسئله پیش، نقش فضای مجازی در این خلال مورد توجه خاص قرار گرفته است: «... مسئله امنیت روانی مردم ... یکی از حقوق عامه ... این است؛ یکی از حقوق عمومی مردم همین است که امنیت روانی داشته باشند. امنیت روانی یعنی چه؟ یعنی هر روز یک شایعه‌ای، یک دروغی، یک حرف هراس‌افکننده‌ای در ذهن‌ها پخش نشود. یکی از وظایف قوه قضائیه برخورد با این مسئله است». مشابه این تأکید در بیانات سال بعد (۱۴۰۲) در دیدار با رئیس و مسئولان قوه قضائیه نیز تکرار می‌شود: «یکی از حقوق عامه، امنیت روانی جامعه است. اینکه یک عده‌ای آنجا بنشینند و با استفاده از فضای مجازی یا غیرمجازی مدام روی اعصاب مردم راه بروند و امنیت ذهنی مردم را به هم بزنند، مردم را بترسانند و مانند این‌ها، خب این خلاف مقتضای احیای حقوق عامه است و قوه‌ی قضائیه باید وارد شود.»^۲

علاوه بر تأکید معظم‌له بر نقش قوه قضائیه در برخورد با اخلال در امنیت روانی جامعه از باب احیای حقوق عامه، ایشان قوه قضائیه را در ایجاد احساس آرامش و امنیت در جامعه مسئول می‌دانند و این مهم، جز با انجام صحیح وظایف مانند تحقق دادرسی عادلانه، وجود محاکم جهت تظلم‌خواهی عادلانه و تحقق عدالت، وجود امنیت قضائی و ... محقق نخواهد شد. این قسم از سخنان ایشان در

۱. بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه - ۱۳۹۸/۴/۵.

۲. بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه - ۱۴۰۲/۴/۶.

چند مورد وجود دارد: ۱- «قوه قضائیه یکی از آن مراکزی است که مردم به شدت برای استقرار عدالت به آن چشم دارند. باید خروجی و نتیجه‌ی قوه قضائیه، احساس آرامش و امنیت برای مردم باشد» ۲- «قوه قضائیه بازوی توانمند نظام اسلامی است که موظف است عدل و انصاف را گسترش دهد، از حقوق آحاد ملت بدون هیچ تمایزی دفاع کند، متجاوزان به حقوق مردم را بی هیچ تفاوت و بدون اغماض و مسامحه به مجازات برساند و دعاوی و اختلافات را حل و فصل نماید. تحقق این مأموریت بزرگ مایه‌ی استقرار امنیت و طمأنینه و آرامش واقعی و پایدار برای مردم است» ۳. ۱- «هدف از وجود قوه قضائیه این است که مردم در جامعه احساس آرامش کنند؛ بدانند که اگر کسی به حقوق آن‌ها تجاوز کرد، جایی هست که به آن رسیدگی می‌کند؛ بدانند که اگر قوی‌ترین اشخاص — حتی دولت — حق کسی را ندیده گرفت، یا خدای ناکرده پامال کرد، یک دستگاه قضائی وجود دارد که شجاعانه و بی‌نظر و بی‌غرض، میدان‌داری می‌کند و حق را به حق‌دار می‌رساند» ۲

در این سخنان چند مسئله مهم قابل توجه است که در ادامه تلاش می‌کنیم بیشتر به آن بپردازیم: اول اینکه امنیت روانی ذیل حقوق عامه قرار دارد؛ دوم اینکه نقض آن به مثابه نقض حقوق عامه باید توسط قوه قضائیه مورد مقابله قرار گیرد و قوه قضائیه مسئولیت برگرداندن احساس آرامش به مردم و جامعه را در این باب برعهده دارد؛ سوم اینکه نقش فضای مجازی در اخلال در امنیت روانی مورد توجه جدی قرار گیرد و با آن مقابله شود؛ چهارم علاوه بر اخلال در امنیت روانی توسط اشخاص خصوصی در فضای حقیقی و مجازی، به نقض امنیت روانی توسط دولت در مفهوم اعم در مقابل واژه مردم و مأموران دولتی و به‌طور خاص اخلال در امنیت روانی توسط قوه قضائیه، مصادیق و نحوه برخورد با آن توجه شود.

۳- تحدید مفهومی و مصداقی امنیت روانی

امنیت به معنای مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت، نبود هراس و بیم نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع و به مخاطره‌نیفتادن آن‌ها، مصون بودن از تهدید و خطر مرگ، بیماری، فقر و حوادث غیرمترقبه و به‌طور کلی، هر عاملی که آرامش انسان را از بین ببرد معنا می‌شود. (Jones, 1999: 102-4) وجود امنیت در هر جامعه، تضمین‌کننده تعاملات و مناسبات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است که این خود، باعث افزایش پیوندهای اجتماعی و افزایش احساس امنیت می‌گردد (نویدینا، ۱۳۸۹: ۸۷-۸۸؛ رهنمایی و پورموسوی، ۱۳۸۵: ۱۷) در دنیای امروز، امنیت روانی بیشتر از موضوع جسم مدنظر مردم است. به‌رغم دستیابی به میزان رفاه بیشتر در دنیای کنونی، رسیدن به احساس امنیت مطلوب همچنان

۱. حکم انتصاب آیت‌الله هاشمی شاهرودی به ریاست قوه قضائیه - ۱۳۷۸/۵/۲۳.

۲. بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه - ۱۳۷۸/۴/۷.

نیازمندی انسان به شمار می‌رود (کامران و شعاع برآبادی، ۱۳۸۹: ۲۶).

۳-۱- امنیت روانی: احساس آرامش و امنیت

حوزه مفهومی امنیت در گذشته محدود به مفهوم احساس آزادی از ترس و همچنین خطرات و تهدیدهای جانی و مالی بود که امنیت را خدشه‌دار می‌نمود (ماندل، ۱۳۷۹: ۴۹)؛ اما امروزه این مفهوم گسترش یافته است و مشارکت سیاسی، تأمین اشتغال و رفاه، بهره‌گیری از اوقات فراغت و تحقق استعدادها نیز در حوزه مفهومی امنیت قرار می‌گیرد (حسنی‌فر، ۱۳۸۳: ۱۲۲).

تا سال ۲۰۰۳ متفکرین، میان امنیت و احساس امنیت چندان تفاوتی قائل نبودند؛ اما طی مطالعات انجام شده در این سال مشخص شد بعد ذهنی امنیت یعنی احساس امنیت نیز جز نیازهای پایه بشری است و وجود احساس امنیت به اندازه وجود امنیت دارای اهمیت است (Boldrin & De Nardi & Larry, 2015: 264). احساس امنیت، پیش‌زمینه و بستر ساز توسعه و یک اجتماع سالم است و سعادت یک جامعه به حفظ و ارتقای امنیت و احساس امنیت وابسته است. مطابق مطالعات انجام شده، امنیت بر دو نوع است: امنیت عینی و امنیت ذهنی. امنیت عینی، بدین معناست که تهدیداتی علیه ارزش‌های شخص اعم از مؤلفه مادی یا معنوی وجود ندارد؛ اما امنیت ذهنی، احساسی است که قبل از وقوع درد یا خطری تجربه می‌شود؛ این درد یا آشفتگی، از تصور زیانی رنج‌آور و مخرب در آینده شکل می‌گیرد (Erdonmez, 2009: 7) یا نشانه‌های آن در محیط موجود به فرد القا می‌شود (Marczak, 2004: 7) و ناشی از تجربه‌های عینی و اکتسابی فرد از شرایط و اوضاع پیرامونی است (دلاور، ۱۳۸۴: ۵)؛ گرچه لزوماً تهدید واقعی و عینی وجود ندارد. درواقع در امنیت ذهنی، فرد حس می‌کند امنیت دارد، حقوق طبیعی (مازند حق حیات، اشتغال، اقامت، مالکیت)، وضعی (مانند حقوق مدنی و سیاسی) و اجتماعی (مانند عدالت اجتماعی و عدم تبعیض در بهره‌مندی از حق‌ها، حق فرهنگی، ثبات و سیاسی) وی مورد تعرض قرار نمی‌گیرد و ابزار دفع خطر در اختیار وی هست؛ لذا امنیت، امری عینی است اما احساس امنیت، امری ذهنی است. بحث امنیت روانی، درواقع در قسم دوم یعنی حس امنیت و امنیت ذهنی قرار دارد (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۲)؛ افتخاری و افروغ، (۱۳۸۱: ۲۴۱).^۱ بدین ترتیب، امنیت روانی یا احساس امنیت، به معنای وجود اطمینان خاطر و احساس آرامش در فرد نسبت به محیط اطراف و آینده خود در مقابل هر نوع تهدید است. احساس امنیت را می‌توان واجد چند ویژگی هم‌زمان دانست: ۱- گستردگی موضوعی و ابعاد مفهومی؛ ۲- نسبی بودن به تناسب زمان‌ها و مکان‌های متفاوت؛ ۳- مطلق نبودن (تحقق کامل و مطلق آن در یک

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک. رجایی‌پور، ۱۳۸۲: صص ۸-۲۹؛ Buzan & Weaver & Jaap, 1998: 1

جامعه ممکن نیست)؛ ۴- ارتباط نزدیک با دیگر ارزش‌ها و لزوم برقراری توازن میان آن‌ها که البته با وجود این اوصاف، تشخیص آن سهل‌تر که نمی‌گردد؛ بلکه با دشواری بیشتری نیز همراه می‌شود (دانشی کهن و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۳۹).

بنابراین، وجود امنیت و احساس امنیت لزوماً همراه یکدیگر نیستند؛ لذا باید بپذیریم در امنیت روانی، با پدیده مستقلی از امنیت سروکار داریم که یک موضوع مستقل ذهنی و روان‌شناسی است. درواقع می‌توان حالتی را تصور نمود که در معنای واقعی در عالم خارج امنیت وجود ندارد؛ اما احساس امنیت در میان مردم وجود دارد. اصلاً احساس امنیت با نشانه‌های تحرک، پویایی، همگرایی، خوش‌بینی، امید به آینده و تلاش همراه می‌شود (دانشی کهن و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۳۴، پژوهشکده مطالعات حقوقی و قضائی، ۱۴۰۲).

امنیت روانی اقداماتی است که برای محافظت از روان انسان‌ها در برابر دستکاری‌ها و اتفاقاتی که بر ذهن و روان شخص صورت می‌گیرد، انجام می‌پذیرد. ایمنی روان شناختی بدین معناست که فردی مطمئن باشد و اعتقاد داشته باشد، سؤالاتی که درباره عقایدش برای وی مطرح است؛ مسائلی که در مورد آن نگرانی دارد یا اشتباهاتی که در موردش صحبت می‌کند، مورد تمسخر تحقیر یا تهدید واقع نمی‌شوند. کارل راجرز یکی از روان‌درمان‌گران معروف در خصوص امنیت روانی می‌گوید: آنچه منجر به خلاقیت فردی شود، می‌تواند باعث ایمنی روانی شود. هوبرت بائر از اساتید روان‌شناسی، معتقد است، باور به اینکه چیزی وجود دارد که ما به آن معتقدیم، به مفهوم وجود امنیت روانی است. در این حالت، هر اتفاقی هم برخلاف آن رخ دهد، آن باور، همچنان وجود دارد (پژوهشکده مطالعات حقوقی و قضائی، ۱۴۰۲). احساس امنیت تمامی شئون و ابعاد زندگی انسان را دربر می‌گیرد و با بقای نفس و صیانت از حیات و موجودیت انسان پیوند می‌خورد و درواقع تضمین‌کننده حیات و بقای انسان و موجود زنده است (دانشی کهن و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۳۴).

۳-۲- جایگاه نیاز به امنیت در سلسله‌مراتب نیازهای فرد

هرم مازلو از نیازهای پایه‌ای فیزیولوژیک مانند گرسنگی و پوشاک شروع می‌شود که تأمین آن‌ها موردنیاز جسم انسان است و دومین پایه، نیازهای ایمنی یا امنیتی است که اگر فرد در این مرحله نیازش برآورده نشود، دچار مشکلات روحی و روانی می‌شود و دیگر پرداختن به نیازهای بالاتر مثل دوست‌داشتن و دوست‌داشته شدن تعلق به خانواده یا بحث خود شکوفایی و مسائل بالاتر امکان‌پذیر نیست. درواقع به دلیل

۱. دکتر نقی دشتی

۲. دکتر نقی دشتی

اینکه باید نیازهای انسان در یک سطح و پله تأمین شود تا بتواند به پله بعدی برود، بدون برآورده کردن نیاز امنیت روانی نمی‌توانیم به سطح بالاتری از نیازها برسیم؛ لذا گام نخست در تأمین امنیت روانی، تأمین نیازهای جسمانی است. پس باید بگوییم که گام نخست در تأمین امنیت روانی، تحقق نیازهای جسمانی در فرد به عنوان مرحله پیشین و مقدماتی است و وقتی این مرحله تأمین شد می‌توانیم به سراغ مرحله امنیت روانی و مصادیق آن برویم (پژوهشکده مطالعات حقوقی و قضائی، ۱۴۰۲).

اگر از مرحله اول بگذریم و وارد پله دوم شویم، در مرحله نیازهای امنیتی نیز مواردی وجود دارد که تحقق آن موجب ایجاد حس امنیت روانی می‌شود. مصادیق بیان شده ذیل نیازهای امنیتی در هرم مازلو دربردارنده حقوق اجتماعی است که تأمین آن موجب ایجاد امنیت اجتماعی می‌گردد و به دنبال آن، امنیت روانی نیز محقق می‌شود؛ اما در فرض خلاف نیز عدم تحقق آن موجب ناامنی روانی خواهد شد. به طور مثال، اشتغال از مصادیق نیازهای امنیتی است که عدم تحقق آن موجب حس ناامنی می‌گردد و بالطبع با فردی که بیکار است نمی‌توان راجع به مراتب بالاتر مانند احترام به نفس و عشق ورزی به دیگران صحبت کرد. یا مصداق دیگر، وجود بیمه‌های اجتماعی برای درمان، بازنشستگی و ... است. فردی که در یک بیماری ناگهانی، بیمه درمانی خاصی ندارد و مجبور می‌شود بخشی از سرمایه اولیه زندگی مانند خانه و ماشین و طلای خود را جهت درمان بفروشد، نمی‌تواند امنیت روانی داشته باشد. نکته مهم در این باب آن است که تأمین امنیت اجتماعی و تدارک حقوق اجتماعی افراد از وظایف دولت به شمار می‌رود (حسنی‌فر، ۱۳۸۳: ۱۲۱) و کوتاهی دولت در این زمینه، می‌تواند موجب خلل در امنیت روانی جامعه شود.

مازلو پرسش‌نامه‌ای طراحی کرد که با مقیاس ۶۲ سؤالی، ابعاد مختلف امنیت روانی را می‌سنجید. در این پرسش‌نامه، وی ۷ مؤلفه برجسته را مورد اشاره قرار می‌دهد: ناسازگاری محیطی، اعتماد به خود و اشتیاق به زندگی، افسردگی، احساس سعادت و سلامت و نهایتاً امنیت اجتماعی. وی چهارده نشانه در خصوص احساس ناامنی برمی‌شمرد مواردی مانند حس نفرت و دشمنی نسبت به دیگران، احساس تنهایی و انزوا، حس اعتماد به دیگری، حسادت و رشک به دیگری، دیگری را خصم تلقی کردن، احساس ناخشنودی از محیط زندگی داشتن، عدم توانایی همدلی با دیگران. به طور مثال، در مطالعه خسونت در ایران، یکی از دلایل زیربنایی که فرد نمی‌تواند خود را جای دیگری بگذارد و با او همدلی کرده و درد وی را درک کند، این حس ترس و ناامنی است که در مواردی به حس یأس و شرم و در مواردی به خودکشی منجر می‌شود. یا در مثال دیگر، در شرایط بروز ناامنی اقتصادی در جامعه، همه افراد به صورت حریصانه و بیشتر از میزان نیاز، به دنبال جمع کردن اموال می‌روند تا دچار مشکلات

اقتصادی نشوند. این اقدام، نشانه نوعی ناامنی روانی است که فرد را به داشتن قدرت بیشتر از نظر مالی حریص می‌کند و در این حالت، احساس می‌کند به دلیل امکان خطر و ترس درونی باید اقدامی حریصانه انجام دهد (پژوهشکده مطالعات حقوقی و قضائی، ۱۴۰۲).

۳-۳- عوامل مؤثر بر تحقق امنیت روانی

علاوه بر پیش‌نیازهای ذکر شده در بالا و مصادیق امنیت روانی که به آن اشاره کردیم، برخی عوامل نیز در تحقق یا عدم تحقق احساس آرامش نقش دارد. مطالعات نشان داده، دوران کودکی در شکل‌گیری امنیت روانی افراد بسیار مؤثر است به‌ویژه سال نخست کودکی؛ گرچه شاید گمان شود کودک درک صحیحی از امنیت ندارد. در این زمینه نقش دولت و خانواده‌ها بسیار مهم است. سبک‌های فرزندپروری برخی خانواده‌ها به‌نحوی است که ناامنی را رواج می‌دهد. علاوه بر نواقص و اشتباهات سیستم فرزندپروری، نظام آموزشی نیز ایرادات متعدد دارد و مهارت‌های زندگی اجتماعی که مورد نیاز آن‌هاست به ایشان آموزش داده نمی‌شود. (پژوهشکده مطالعات حقوقی و قضائی، ۱۴۰۲).

از سوی دیگر، وجود امنیت اجتماعی در جامعه، سبب ایجاد امنیت روانی در افراد می‌شود. جامعه‌گرایان، تحقق امنیت را مبتنی بر ایجاد رضایت عمومی، تأمین عدالت اجتماعی، رفاه و برآوردن نیازهای جامعه می‌دانند، به‌گونه‌ای که بدون تأمین منافع مردم و کسب رضایت آن‌ها، امنیت اساساً مستقر نمی‌شود. مفهوم تازه پدیدار شده از امنیت، مبتنی بر این تلقی است که تحقق عدالت اجتماعی برای نیل به امنیت، کاملاً ضروری است (ربیع، ۱۳۸۷: ۱۲۱ و ۱۲۲؛ ر.ک. نبوی و دیگران، ۱۳۸۹: ۹۲ و ۹۳) همچنان که پیشتر نیز در هرم مازلو دیدیم، بسیاری از مصادیق امنیت، جزء موارد حقوق اجتماعی است که تحقق آن، موجب ایجاد امنیت اجتماعی و بالطبع احساس آرامش (امنیت روانی) افراد می‌گردد و ایجاد موانع در جهت تحقق آن، امنیت اجتماعی و روانی را مخدوش می‌نماید. بهره‌مندی از حقوق اجتماعی مانند خدمات اجتماعی همچون خدمات آموزشی، درمانی، بهداشتی، انتظامی، عدم تبعیض اجتماعی در استفاده از خدمات، موجب تحقق امنیت روانی شهروندان می‌گردد؛ اما اگر این خدمات برای وی تأمین نگردد، وی امنیت اجتماعی به‌تبع آن، امنیت روانی خود را از دست می‌دهد.^۳ باتوجه به اینکه تأمین حقوق اجتماعی افراد جزء مصادیق نسل دوم حقوق بشر و از وظایف دولت است، تلاش دولت در تحقق مطلوب آن و همچنین مقابله با موانع و در صورت لزوم، معرفی آن

۱. دکتر نقی دشتی

۲. دکتر مهدی صابری

۳. برای مطالعه بیشتر ر.ک. نبوی و دیگران، ۱۳۸۹، صص ۷۳-۹۶؛ رادفر و حبیبزاده، ۱۳۹۷: ۵۳-۸۴، هاشمیان‌فر و کشاورز، ۱۳۹۱: ۳۹-۶۲.

به قوه قضائیه، موجب تحقق امنیت اجتماعی و همچنین امنیت روانی در جامعه خواهد شد. در مقابل، اگر دولت نسبت به تأمین حقوق اجتماعی مردم بی تفاوت باشد و یا در زمینه‌های پیش‌گفته تبعیض قائل شود، زمینه بروز احساس ناامنی را فراهم می‌نماید (احمدی، ۱۳۷۹: ۱۵۰).

مسئله مهم دیگر در تحقق امنیت روانی، ایجاد حس امنیت است؛ چرا که مطابق تعاریف، امنیت روانی امری ذهنی است؛ لذا علاوه بر تحقق نیازهای جسمانی و حقوق اجتماعی افراد که دولت در فراهم نمودن مسیر تحقق آن نقش بسزایی دارد، بیان نمودن اخبار صادق و کاذب در میان افواه به‌ویژه از طریق رسانه‌ها از ابزارهای مهم در تحقق امنیت روانی در یک جامعه و از سوی دیگر، اخلاق در آن هستند؛ به عبارت دیگر، رسانه‌ها در دنیای کنونی بسان یک شمشیر دو لبه هستند که هم می‌توانند کارکرد مثبت داشته باشند و هم کارکرد منفی. همچنان که در سخنان رهبری نیز بر نقش رسانه و فضای مجازی در بازتاب و انتقال این احساس توجه شده است. توانایی ذاتی رسانه و وسایل ارتباطی در جریان‌سازی فرهنگی و سیاسی، تأثیر بر شیوه‌های رفتاری و سلیقه‌های عمومی و جایگاه آن‌ها به عنوان منبعی اصلی و مسلط برای ارائه تصاویر ذهنی از واقعیت‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی غیرقابل انکار است. این وسایل قادرند در سطحی وسیع‌تر و مدت زمانی طولانی‌تر با مردم ارتباط برقرار کرده، تأثیر اولیه مدرسه، خانواده و مذهب و امثال آن را بر افراد تحت شعاع قرار دهند (مهرداد، ۱۳۸۰: ۵۶).

نتیجه یک نظرخواهی در دهه هشتاد از سوی مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) مبین آن است که ۸۱ درصد از ایرانیان به گونه‌ای احساس ناامنی می‌کنند (کلاهیچیان، ۱۳۸۴: ۱۵۴). این مسئله بیانگر قدرت رسانه و فضای مجازی در دو سوی مثبت یا منفی امنیت روانی است تا احساس امنیت را در جامعه برقرار کند یا با جلب اعتماد افراد و با انتشار اخبار، شایعات و سخنان دروغ، حس ناامنی را در جامعه ایجاد کند.

۴- نقش قوه قضائیه در تأمین امنیت روانی همراه با گسترش آزادی‌های مشروع

وظیفه قوه قضائیه در خصوص امنیت روانی، در کدام مرحله قرار دارد؟ آیا تأمین امنیت روانی در گام نخست وظیفه قوه قضائیه است یا در صورت برهم خوردن امنیت، یا امکان برهم خوردن امنیت باید ورود کند؟ در صورت برهم خوردن امنیت آیا قوه قضائیه باید به موارد جرایم شناسایی شده محدود شود یا لازم است قانون یا مواد خاصی به جرم‌انگاری موارد اخلاق در امنیت روانی فارغ از جرایم مشابه مانند تشویش اذهان عمومی و ... داشته باشیم؟ در نسبت میان امنیت و آزادی افراد چگونه باید میان این دو جمع نمود؟

نظر به محوریت مردم در بحث امنیت روانی و ارتباط وثیق آن با نفع عمومی مشترک جامعه، می‌توان ادعا نمود که اگر هدف اصلی قوه قضائیه تأمین نفع عمومی جامعه است؛ لذا تأمین امنیت روانی در جامعه نیز یکی از اهداف اصلی قوه قضائیه است. با توجه به وظیفه قوه قضائیه در تأمین منافع شهروندان و احیای حقوق عامه، تأمین امنیت روانی در فضای جامعه و فضای مجازی که مورد تأکید مقام معظم رهبری نیز قرار گرفته، مورد توجه این قوه خواهد بود؛ اما نحوه اقدام در این خصوص چگونه باشد؟

۴-۱- نقش قوه قضائیه در تأمین پیش‌نیازهای امنیت روانی

همچنان که گفتیم، گام نخست تأمین امنیت روانی در جامعه، تأمین نیازهای جسمانی افراد و پس از آن تأمین حقوق اجتماعی افراد است. در تأمین این نیازها، قوه قضائیه وظیفه مستقیمی برعهده ندارد و قوای مقننه و مجریه دخالت بیشتری دارند. گرچه تأمین کامل این نیازها برای همه افراد در هیچ کجای دنیا محقق نشده است، ولی دولت‌ها تلاش می‌کنند، این امر را تا حد ممکن کنترل کنند. باید بپذیریم، تأمین اولیه امنیت روانی در جامعه، وظیفه قوه قضائیه نیست و این وظیفه سایر قواست؛ اما قوه قضائیه در صورت اخلال در نظم عمومی یا خطر اخلال، وارد عمل می‌شود.

اخلال در تأمین نیازهای جسمانی و اجتماعی افراد اگر از سوی اشخاص خصوصی باشد، قوه قضائیه مکلف به برخورد سریع و جدی با این مسئله در راستای احیای حقوق عامه است. به طور مثال، اگر احتکار در مواد غذایی یا دارویی یا حتی مسکن پیش آید، قوه قضائیه مکلف به ورود به موضوع و مجازات اخلال‌گران است که این اقدام، نه تنها موجب ورود خلل در تأمین نیازهای افراد شده؛ بلکه امنیت روانی را به طور جدی خدشه‌دار می‌نماید. در این موارد غالباً جرم‌انگاری وجود دارد و با عناوین مجرمانه مانند اخلال در نظم عمومی، تشویق اذهان و... افراد برهم‌زننده امنیت عمومی مورد پیگرد قرار می‌گیرند.

اگر اخلال از سوی دولت (قوه مجریه) و مأموران آن یا حتی قوه مقننه باشد، به طور مثال، در عرصه اجرا یا وضع قانون و مقرره، در تأمین نیازهای جسمانی که دولت در آن وظیفه‌ای دارد کوتاهی صورت گرفته باشد یا حقوق اجتماعی مانند ارائه خدمات اجتماعی با تبعیض روبه‌رو شود، به نظر می‌رسد وظیفه برخورد با این مصادیق نیز از باب نظارت قضائی برعهده قوه قضائیه است.

تحقق امنیت اجتماعی تابع اعتماد اجتماعی و کاهش اعتماد اجتماعی موجب خدشه‌دارشدن امنیت اجتماعی و همچنین نزول احساس امنیت خواهد شد (بیدل، ۱۳۹۵: ۵۹). از جمله دلایل عدم اعتماد مردم و کاهش امنیت روانی در جامعه، به جز عدم تأمین نیازهای جسمی و برخی مصادیق نیازهای امنیتی مانند شغل، بیمه که به آن اشاره شد، عدم حمایت قانون از فرد و آتیه فرزندان وی، نبود ثبات در قوانین و مقررات به نحوی که قوانین هر روز در معرض قوانین تغییرند، عدم حمایت در دوران بازنشستگی و حقوق سالمندان، عدم تحقق رفاه اجتماعی، تبعیض اجتماعی، عدم امکان آزادانه ابراز

عقاید، سلامت دستگاه قضا، تضمین حقوق فردی و موارد مانند آن است که اغلب از مصادیق حقوق اجتماعی افراد است (پژوهشکده مطالعات حقوقی و قضائی، ۱۴۰۲).

به طور مثال، سیاست گذاری ناصحیح و عدم ثبات در قوانین و مقررات می تواند موجب ایجاد حس اضطراب و ناامنی در مردم گردد. اگر فردی مقدار دارایی مشخصی در بازه زمانی خاصی دارد، اگر اطمینان نداشته باشد که تا چند ماه دیگر ارزش دارایی وی به همین میزان باقی می ماند یا اگر اموال وی مورد سرقت قرار بگیرد، تحت حمایت قانون است، احساس ناامنی روانی می کند. در این موارد، دولت مسئولیت نظارت بر نظام اقتصادی حاکم بر زندگی مردم را برعهده دارد و اگر این موارد نقض گردد، قوه قضائیه وظیفه مطالبه گری و نظارت قضائی را دارد. قوه قضائیه با توجه به جایگاهی که دارد، از ارگان ها و نهادها مطالبه می کند که چرا چنین برنامه یا مقررهای تصویب کردید و موجب اخلال در امنیت روانی جامعه شد.

در این رویکرد نظارتی قوه قضائیه، نظر به گستره حوزه حقوق عامه و ارتباط گسترده آن با تخلفات دولت و مأموران دولتی، بخش اعظم حوزه نظارتی قوه قضائیه در تأمین نیازها، ناظر بر دولت و مصادیق تضییع حقوق عامه و اخلال در امنیت روانی جامعه به موجب عمل دولت است. این مسئله، موضوعی است که معمولاً در مباحث امنیت روانی مغفول می ماند. همچنین که در بالا نیز بیان کردیم، در مواردی، تصمیمات اداری، تقنینی و قضائی در دولت (در مفهوم عام)، امنیت روانی جامعه را دچار اخلال می کند؛ این در حالی است که تصمیم اتخاذ شده لزوماً همراه با انجام جرم یا حتی تخلف انتظامی و اداری نیست؛ بلکه در مواردی تنها قصد مقنن مطمح نظر نبوده است. به طور مثال، اولویت در جامعه عوض می شود و اولویت اول جامعه که به طور مثال، امور اقتصادی است به حجاب تغییر می کند و این تغییر اولویت در تصمیم اداری یا حتی تقنینی و قضائی، امنیت روانی جامعه را مختل می کند. این بدین معنا نیست که این مسئله در اولویت نیست یا مقام مذکور، جرمی یا تخلف مشخصی انجام داده؛ اما عمل وی موجب اخلال در امنیت شده است. به نظر می رسد در این موارد، خلأ قانونی یا حتی ادبیات موجود جهت شناسایی مسئله در رویه قضائی مطابق قوانین جاری وجود دارد. در این زمینه جرمی وجود ندارد تا دادستان در آن ورود کرده و اعلام جرم نماید که این خلأ را باید تأمین نمود؛ اما در مصادیق این چنین با اعمال مجازات انتظامی می توان از بروز اخلال در امنیت روانی جامعه پیشگیری نمود.

فارغ از وجه نظارتی قوه قضائیه در صورت بروز اخلال، دولت خود باید پیش از ایجاد اخلال در امنیت و همچنین قبل از ورود قوه قضائیه در راستای ارتقای سطح امنیت روانی وارد عمل شود. گام

نخستی که باید توسط دولت برداشته شود، تحقق حاکمیت قانون در تمامی دستگاه‌ها و نظارت بر اجرا آن است. اجرای عادلانه قانون بر همه افراد و بدون اعمال تبعیض، گام دیگر ارتقای سطح امنیت روانی است؛ دیگر اقدام مؤثر، ایجاد فضای تکرگرا و متنوع و همچنین شاد در جامعه است که می‌تواند در سراسر کشور توسط دولت یا سازمان‌های مردم‌نهاد انجام شود؛ احراز تهدید و تحدید توسط دولت نیز گام مؤثر دیگر در تحقق امنیت روانی است (پژوهشکده مطالعات حقوقی و قضائی، ۱۴۰۲). تمامی این اقدامات، موجب ایجاد حس اعتماد مردم به دولت و بالطبع ایجاد حس امنیت در جامعه می‌گردد.

۴-۲- راهبرد قوه قضائیه در نسبت تأمین امنیت روانی و گسترش آزادی‌های مشروع به‌ویژه از طریق فضای مجازی

یکی از شیوه‌های قوی در ایجاد اخلال یا تأمین امنیت روانی که بارها مورد تأکید رهبری قرار گرفته است و باتوجه به شیوع و میزان تأثیرگذاری، نیاز به بحث دارد، رسانه و به‌طور خاص، اخلال در امنیت روانی شهروندان از طریق فضای مجازی و نحوه مقابله قوه قضائیه با آن است. است. فضای مجازی عبارت است از نظام‌های اجتماعی که از تعامل کاربران بر بستر شبکه شکل می‌گیرد (زینبند و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۶۷). نظر به اینکه امنیت روانی، به احساس امنیت معنا می‌شود، رسانه و فضای مجازی می‌تواند نقش مؤثری در ایجاد یا اخلال در آن داشته باشد. درواقع فضای مجازی و رسانه، ابزار تحقق این حس امنیت است.

دراین‌میان، بحث مهم آن است که نظارت بر فضای مجازی در تهیه و ارائه محتوا که می‌تواند موجب اخلال در امنیت روانی گردد تا چه میزان می‌تواند باشد؟ چرا که از یک‌سو آزادی بیان و گردش اطلاعات و اخبار در جامعه را نمی‌توان به هر دلیلی محدود نمود و از سوی دیگر، جریان آزاد و بی‌حد و مرز اطلاعات که در بعضی مواقع همراه با انتشار اخبار کذب و آغشته به دروغ، جعل و بزرگنمایی است، می‌تواند موجب اخلال در امنیت روانی جامعه گردد. این سخنان و اخبار می‌تواند توسط هر فردی در فضای مجازی بدون وجود اطلاعات کافی یا صحیح منتقل شود و در مواردی نیز اخبار ناصحیح که توسط افراد مختلف به‌ویژه صاحبان‌منصب بیان می‌شود از طریق فضای مجازی گردش یافته و در جامعه می‌چرخد و موجب ایجاد حس ناامنی می‌گردد.

حال سؤال آن است در نسبت میان اخلال در امنیت روانی از طریق فضای مجازی و آزادی بیان، شناسایی موارد اخلال در امنیت روانی چگونه باید انجام پذیرد؟ چگونه باید میان این دو تعادل برقرار نمود؟ در مقام تأمین امنیت روانی از طریق فضای مجازی از چه ظرفیت‌هایی می‌توان بهره برد و وظیفه

دولت و قوه قضائیه در این زمینه چیست؟

در نسبت میان حقوق و آزادی‌های فردی و مصلحت عمومی یا همان منافع عمومی، ابتدا باید ببینیم واژه «مصلحت عمومی» در اینجا به چه معناست؟ در خصوص مصلحت عمومی چندین تعریف ارائه شده است: یکی از تعاریف، مصلحت عمومی را مصلحت حکومت یا مصلحت نظام معنا می‌کند (سلیمانی، ۱۳۸۹: ۹۰). بدین معنا که هیچ معیار و ملاکی برای تعیین مصادیق مصلحت عمومی خارج از تشخیص و نظر حاکم وجود ندارد و هر آنچه حاکم تعیین می‌کند، انعکاس خودکار منفعت عمومی است (بالوی و دیگران، ۱۳۹۹: ۵۶؛ همچنین ر.ک. بیات کمیتکی و بالوی، ۱۳۹۴: ۱۲۶ و ۱۲۷). این تعریف، امروزه یک تعریف مورد قبول نیست و مصلحت عمومی را صرفاً مصلحت حکومت نمی‌توان فرض گرفت. در تعریف دوم، منظور از مصلحت عمومی، مصلحت مردم یعنی جمع عددی منافع فردی است؛ بدین معنا که منافع تک‌تک افراد را جمع بکنیم و بگوییم این مصلحت عمومی است (راسخ و بیات کمیتکی، ۱۳۹۱ (ب): ۹۸). این تعریف نیز امروزه مقبول نیست؛ به این دلیل که نیازها و علایق هر شخصی آن قدر پیچیده است که نمی‌توانیم همه این‌ها را با یکدیگر جمع کنیم و بگوییم در حال حاضر نیاز تمام افراد جامعه این موضوع بوده و این مصلحت عمومی محسوب می‌شود؛ بنابراین جمع عددی منافع فردی امروزه مورد قبول واقع نشده است. تعریف سوم که در ادبیات حقوق عمومی امروزه، از مفهوم مصلحت عمومی و منافع عمومی برداشت می‌شود، مفهوم منافع و علایق مشترک است که افراد را به یکدیگر مربوط می‌کند (روسو، ۱۳۸۴: ۳۴-۳۸)؛ بدین مفهوم که مصلحت عمومی را همچون منافع مشترکی در نظر می‌گیرند که اعضای جامعه برای زندگی در جامعه، تأمین این منافع را لازم دارند و از آن با عنوان «نفع حیات جمعی» یاد می‌کنند (راسخ و بیات کمیتکی، ۱۳۹۱ (ب): ۱۰۰)؛ گرچه این علاقه مشترک می‌تواند به معنای اکثریت آراء نباشد (روسو، ۱۳۸۴: ۳۸).

مشابه این تفکیک میان مصلحت را ویور در حوزه امنیت مطرح می‌نماید و دوگانه امنیت دولت و امنیت اجتماعی را بیان می‌دارد (Roe, 1996: 11) و خاطر نشان می‌سازد که افراد جامعه نمی‌توانند نسبت به چیزهایی که امنیت و هویتشان را تهدید می‌کند احساس مسئولیت نداشته و آن‌ها را تنها به دولت واگذار نمایند. بد (نبوی و دیگران، ۱۳۸۹: ۷۷). بدین ترتیب با مفاهیم نوین پیش‌رو از امنیت و مصلحت، این مفاهیم از آن دولت نیست؛ بلکه مفاهیمی دربردارنده نفع عمومی و مشترک مردم در صحنه اجتماع است و وظیفه دولت در این میان، ایجاد تعادل میان حقوق فردی و نفع عمومی (یا نظم اجتماعی) به عنوان غایت نهایی امنیت و مصلحت است. در این نسبت، جایگاه مصلحت را نمی‌توان نادیده گرفت. نظریه پردازان و فعالان اجتماعی با اتخاذ رویکردهای نظری متفاوت پیرامون نسبت میان حق و مصلحت، راهکارهای متفاوتی را برای حل این تعارض مطرح نموده‌اند: پاره‌ای از

آن‌ها با طرح ایده حاکمیت حق، بر اولویت حقوق فردی بر منافع جمعی تأکید می‌نمایند. همچنان که دورکین می‌گوید: «حقوق فردی را باید به مثابه «برگ‌های برنده» یا دلایل حاکمی در نظر گرفت که نمی‌توان به بهانه مصلحت عمومی یا منافع کثیر، آن‌ها را زیر پا گذاشت» (دورکین، ۱۳۸۱: ۶۳-۶۵). برخی دیگر مصلحت عمومی را دارای تقدم رتبی قلمداد کرده‌اند و ملاحظات مربوط به منافع عمومی جامعه را سزاوار توجه بیشتر قلمداد نموده‌اند (راسخ و بیات کمیتکی، ۱۳۹۱(الف): ۳۸۵). در میان دو دسته نظرات موجود، نظریه تعادل معتقد است باید میان حقوق فردی و مصالح جمعی توازن برقرار نمود تا هر فرد بتواند توانایی‌هایش را در هماهنگی با منفعت همه توسعه دهد (بودنهایمر، ۱۳۸۷: ۸۲). مطابق نظریه مذکور و در راستای برقراری تعادل میان نظرات، در رویه محاکم اغلب کشورها با ارائه معیارهایی سعی در محدود نمودن استفاده از مصلحت توسط حکومت در راستای برقراری تعادل میان دو مفهوم بنیادین نموده‌اند. با توجه به بررسی رویه دادگاه‌های کشورهای مختلف از جمله دادگاه قانون اساسی فدرال آلمان و مجلس لردهای بریتانیا (امروزه دیوان عالی)، دیوان عالی کانادا و دادگاه اروپایی حقوق بشر، سه معیار برای ورود در زمینه تأمین منافع عمومی با عنوان مصلحت عمومی وجود دارد. درواقع با در نظر گرفتن این سه معیار، تشخیص می‌دهند در برخی موارد مصلحت عمومی شهروندان اقتضا می‌کند تا دولت در آن ورود کند و آزادی‌های عمومی شهروندان را در مواردی محدود نماید یا به عبارت دیگر تعادل میان مصلحت و آزادی‌های فردی برقرار کند. این سه معیار شامل مناسبت و ضرورت و تناسب است (بیات کمیتکی و بالوی، ۱۳۹۶: ۳۲۷).

معیار مناسبت، این نکته را خاطر نشان می‌سازد که دولت حتماً باید یک هدف قانونی و مشروع داشته باشد تا موضوع در حوزه مصلحت عمومی قرار گیرد و بدین خاطر اجازه ورود دارد که بتواند منافع عمومی را تأمین و یک هدف قانونی را طی نماید؛ نه اینکه منافع مربوط به خود حکومت باشد یا منافع بخش خاصی از حکومت باشد. در اینجا مفهوم منافع زیست جمعی باید مطمح نظر قرار گیرد.

در مورد معیار ضرورت در بحث مصلحت عمومی باید این نکته را در نظر داشت که مصلحت عمومی یک امر حداقلی و ابزاری است؛ یعنی ورود دولت در بحث مصلحت عمومی باید در حداقل مواردی باشد که ورود وی ضروری است و مانند بحث آزادی‌ها نیست که بگوییم اصل بر آزادی است مگر اینکه آزادی دیگران سلب بشود یا منافع محدود شود؛ بلکه در اینجا، اصل بر این است که صرفاً در مواردی که ضرورت دارد و حیات جمعی در مناقشه قرار گرفته دولت می‌تواند وارد عمل شود.

مؤلفه سوم تناسب است. اقدامی که دولت برای صیانت از منافع عمومی و مصلحت عمومی انجام می‌دهد باید متناسب با آن منفعتی باشد که در پی تأمین آن است. اینکه چه اقدامی متناسب هست، یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که باید در مقوله صیانت از امنیت روانی شهروندان مورد توجه قرار

گیرد. به طور مثال، آرایه‌ای که اخیراً توسط برخی محاکم صادر شده در خصوص شستن میت به عنوان مجازات جایگزین تعیین شده، مناسب‌ترین مجازات ممکن نیست و به دلیل عدم تناسب جرم و مجازات، مصلحت عمومی، آزادی شهروندان را تضییع نموده است (همان: ۳۳۲-۳۳۹). به نظر می‌رسد با در نظر گرفتن سه معیار بیان شده، امکان جمع میان مصلحت و آزادی وجود خواهد داشت.

۳-۴- تأمین امنیت روانی در انجام وظایف قوه قضائیه

در این بخش، قوه قضائیه باید در راستای انجام وظایف خود، موجب ایجاد احساس امنیت و آرامش برای مردم شود. «باید خروجی و نتیجه قوه قضائیه، احساس آرامش و امنیت برای مردم باشد»^۱؛ به نحوی که هرکسی جهت احقاق حق خود به قوه قضائیه مراجعه نمود، اطمینان به برقراری عدالت و گرفتن حق خود باشد. این امر جز با انجام صحیح و دقیق وظایف قوه قضائیه و تحقق دادرسی عادلانه در محاکم محقق نخواهد شد.

همچنان که می‌بینیم تحقق وظایف قوه قضائیه در احقاق حق مردم و رعایت اصول دادرسی عادلانه شامل حق دادخواهی و دسترسی همگان به محکمه قانون و صالح به طور برابر وجود استقلال و بی طرفی مرجع رسیدگی؛ برخورداری طرفین دعوا از امکانات دفاع برابر یا به عبارت دیگر تساوی سلاح‌ها؛ دو طرفه بودن دفاع و امکان اعتراض به دفاع هریک از طرفین توسط دیگری که اصل تناظر خوانده می‌شود؛ حق رسیدگی حضوری و علنی، حق تجدیدنظرخواهی و رسیدگی در مهلت معقول و بدون تأخیر ناموجه و ... موجب ایجاد احساس آرامش در مردم می‌شود.^۲ به عبارت دیگر، تحقق امنیت قضائی موجب ایجاد امنیت روانی در جامعه می‌گردد. امنیت قضائی، عملکرد صحیح، بهنگام و بدون تبعیض نظام قضائی جهت رسیدن به اهداف تعریف شده است (علینقی، ۱۳۷۹: ۵۷) که موجب اطمینان خاطر در افراد جامعه می‌شود تا نسبت به حفظ جان، حیثیت و حقوق مادی و معنوی خود بیم و هراسی نداشته باشند. در واقع ایجاد امنیت قضائی، موجب ایجاد حس امنیت روانی در مردم در حوزه تظلم‌خواهی می‌گردد. در مقابل، اگر قوه قضائیه به وظایف قانونی خود عمل نکند و اصول دادرسی عادلانه را نقض کند، موجب اخلال در امنیت روانی در جامعه می‌گردد؛ لذا قوه قضائیه باید به این مسئله توجه خاصی نماید تا خود، موجب اخلال در امنیت روانی جامعه نگردد. صدور آرای عجیب و غیرمتناسب، عدم شفافیت در دادرسی، اطاله دادرسی و سردرگمی مردم در میان محاکم موجب عدم اطمینان مردم به قوه قضائیه به عنوان

۱. بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه - ۱۳۸۴/۴/۷

۲. برای مطالعه بیشتر ر.ک. عباسی، ۱۳۹۰: ۲۲۶، ۲۲۹، ۲۳۵؛ رستمی و دیگران، ۱۳۸۸: ۹۲ و ۹۳؛ قاری

سیدفاطمی، ۱۳۸۸: ج ۱، ۸۰-۸۲؛ فضائلی، ۱۳۸۷: ۴۷-۵۰.

آخرین ملجأ می‌گردد و احساس امنیت را در جامعه مختل می‌نماید.

دیگر مسئله مهم در تحقق وظیفه امنیت روانی توسط قوه قضائیه، تحقق یک پیش‌نیاز است و آن اینکه، فاقد شیء معطی شیء نمی‌تواند باشد؛ لذا تأمین‌کننده امنیت، ابتدا خود باید امنیت روانی داشته باشد. اگر قضات و کارکنان قوه قضائیه به‌عنوان تأمین‌کنندگان امنیت روانی، خود امنیت روانی با تمامی اقتضائات بیان‌شده را نداشته باشند، امکان تحقق امنیت روانی برای دیگران را نیز نخواهند داشت (پژوهشکده مطالعات حقوقی و قضائی، ۱۴۰۲).

نتیجه‌گیری

مطابق سخنان رهبری از سال ۱۳۸۱، بحث امنیت، ذیل عنوان حقوق عامه به‌عنوان کلیدواژه مهم ذیل وظایف قوه قضائیه قرار دارد. مسئله مهم در تحقق امنیت روانی آن است که پیش‌نیاز تحقق آن، تأمین نیازهای جسمانی و اجتماعی است. همچنین تحقق امنیت اجتماعی تابع اعتماد اجتماعی و کاهش اعتماد اجتماعی موجب خدشه‌دار شدن امنیت اجتماعی و همچنین نزول احساس امنیت خواهد شد. از نظر مفهومی، امنیت روانی، معادل احساس امنیت است که با تحقق سایر مصادیق امنیت در جامعه محقق می‌گردد. تا زمانی که نیازهای جسمی و ایمنی فرد محقق نگردیده، نمی‌توان از تحقق امنیت روانی سخن گفت. احراز از تهدید و تحدید توسط دولت به‌صورت سلیقه‌ای و بدون مبنای قانونی و توجه به محوریت آزادی‌های شهروندان، توجه به تربیت دینی از دوران کودکی، جلب اعتماد مردم با حاکمیت قانون و تحقق نیازهای افراد، پذیرش راه‌های بازگشت مانند توبه، گسترش زمینه‌های نشاط و شادی از اقدامات قابل انجام جهت ارتقای سطح امنیت روانی شهروندان است.

جهت تحقق مطلوب امنیت روانی و اعتماد مردم به دولت، وظیفه قوه قضائیه نظارت بر عدم اخلال در امنیت روانی توسط اشخاص و بخش‌های مختلف دولت است. با توجه به وظیفه دولت در تأمین نیازهای اجتماعی، انجام تکالیف دولت در تحقق نیازها و تأمین امنیت روانی لازم این انجام این تکلیف، با نظارت و مطالبه‌گری قوه قضائیه همراه گردد؛ لذا بخش اعظم وظیفه قوه در این حوزه، به نظارت قوه بر دولت معطوف می‌گردد که در این زمینه لازم است با توجه به قرارگرفتن مفهوم امنیت روانی ذیل حقوق عامه و ایرادات موجود در دستورالعمل نظارت بر حقوق عامه، این مقررره مورد بازنگری قرار گیرد یا طی لایحه‌ای بر موارد نقض امنیت روانی به‌ویژه توسط دولت که مصاداق جرم نیست توجه شده و حداقل در قالب تخلف به آن رسیدگی شود.

دیگر مسئله مهم در باب امنیت روانی که مورد تأکید خاص مقام معظم رهبری نیز قرار گرفته است،

تأثیر فضای مجازی بر امنیت روانی شهروندان است. نظر به تأثیر گسترده فضای مجازی در جوامع امروزی، نحوه برخورد قوه قضائیه با موارد اخلاص امنیت روانی تحت تأثیر از فضای مجازی اهمیت بسزایی دارد. با بررسی رویه ملاحظه می‌کنیم که دستگاه قضا در برخورد با پرونده‌های فضای مجازی رویه یکسانی ندارد. وضع قانون یا مقرر ناظر بر نحوه رسیدگی به جرایم امنیت روانی و فضای مجازی همراه با ایجاد شعب تخصصی همراه با قضات متخصص در این زمینه که با ادبیات موجود آشنا باشند، می‌تواند بخشی از مشکلات رسیدگی به جرایم مرتبط با این حوزه را حل نماید.

- سطح تأثیرات اجتماعی فضای مجازی در جوامع امروزی آن‌چنان گسترده و شدید است که بسیاری از وقایع اجتماعی را کنترل می‌کند. چنانچه در فقه، تواتر خبر باعث صحت آن می‌شود، در فضای مجازی هم انتشار مکرر یک خبر موجب صحیح انگاشته شدن آن خبر می‌شود و تأکید و یا بی‌اهمیت جلوه دادن آن توسط فضای مجازی بر بحرانی کردن یک امر تأثیر بسزایی دارد؛ لذا اگر این اخبار تکرار شوند باورپذیری بیشتری خواهند داشت. ایجاد مرجعی جهت ارائه اخبار و اطلاعات درست دولت به مفهوم انتشار شفاف کلیه وقایع دولت، اطلاع رسانی به جامعه در خصوص قوانین و مقررات و همچنین ارائه اطلاعات دقیق از امور اجرایی دولت و همچنین علنی بودن دادرسی می‌تواند موجب روشن شدن دیده مردم و عدم اعتماد به اخبار متنوع فضای مجازی و در نتیجه، حفظ امنیت روانی در جامعه گردد. علاوه بر آن باید تأکید کنیم که سرعت عمل در بررسی و پاسخ به اخباری که باعث متشنج شدن فضای اجتماعی کشور می‌شوند در اعتمادسازی دولت اهمیت بسیار زیادی دارد. آموزش سواد رسانه‌ای به مردم نیز در کنار این مسئله و همچنین فرهنگ سازی نحوه استفاده از فضای مجازی نیز در این زمینه در کنار اقدامات دیگر کارگشا خواهد بود.

در جهت ایجاد تعادل میان آزادی‌های شهروندان و امنیت که برخی آن را ذیل مصلحت می‌دانند، سه معیار مناسب، ضرورت و تناسب باید مورد توجه قرار گیرد تا برای تحقق امنیت، آزادی شهروندان تضییع نگردد. مناسب بدین معناست که دولت حتماً باید یک هدف قانونی و مشروع داشته باشد و در صدد تأمین منافع عمومی مصلحت را به کار گیرد؛ ضرورت در مصلحت بدین معناست که «مصلحت عمومی» یک امر حداقلی و ابزاری و استثنایی است و تناسب بیانگر آن است که اقدامی که دولت برای صیانت از منافع عمومی و مصلحت عمومی انجام می‌دهد باید متناسب با آن منفعتی باشد که در پی تأمین آن است.

یکی از موارد امنیت که به نظر می‌رسد در تحقق امنیت روانی مهم باشد و مرتبط با قوه قضائیه است، امنیت قضائی است. هدف امنیت قضائی رسیدن به عدالت قضائی است که اثر آن، ایجاد اعتماد شهروندان به قانون و نظام قضائی است. تحقق امنیت روانی در امنیت قضائی و ارتباط این دو باید مدنظر قرار گیرد. این مهم محقق نمی‌شود مگر اینکه وظایف قوه قضائیه در احقاق حق مردم و رعایت اصول دادرسی عادلانه

به طور صحیح، بهنگام و بدون تبعیض اجرا شود. این امر موجب اطمینان خاطر در افراد جامعه می گردد که قوه قضائیه به عنوان ملجأ تظلم خواهی آنها حتی علیه نهادهای دولتی، پشتیبان ایشان است. توجه به تحقق امنیت روانی در داخل قوه قضائیه بخش مهم کار است که هم از منظر تأمین نیازها دارای اهمیت است و هم اینکه تصمیمات داخل قوه قضائیه، موجب اخلاف در امنیت نگردد و این مسئله، باید مورد نظارت قرار گیرد. این مورد در خصوص آرای قضائی نیز باید محل توجه قرار گیرد؛ اما در عین حال، نباید موجب خدشه به استقلال رأی قضات گردد.

مبحث اعتماد مردم به دولت و دستگاه قضا، بحث مهم دیگری است که در امنیت روانی شهروندان نقش بسزایی دارد. پیش بینی پذیری رفتار قضات، تناسب جرم و مجازات، عدم اطاله در رسیدگی، حسن رفتار در برخورد با ارباب رجوع، تحقق برابری در مقابل قانون، رفتار صحیح با زندانیان و ... از جمله مواردی هستند که با تحقق آن در دستگاه قضا، می توان اعتماد مردم را افزایش داد و به تبع، امنیت روانی را در جامعه ارتقا داد. به نظر می رسد ضروری است با طراحی پرسش نامه هایی، میزان اعتماد شهروندان به دستگاه قضا، عوامل کاهش اعتماد و عوامل افزایش اعتماد را استخراج نمود و تحقق امنیت روانی شهروندان را از قوه قضائیه شروع کرد.

فهرست منابع

منابع فارسی و عربی

- قرآن کریم
- بیانات مقام معظم رهبری، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی: www.leader.ir
- احمدی، حبیب‌الله (۱۳۷۹)، «دین، پشتوانه امنیت ملی»، فصلنامه علوم سیاسی، سال ۳، شماره ۹، صص ۱۴۳-۱۶۱.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۹)، «امنیت؛ ابعاد و سازوکارهای تأمین آن در روایات»، حکومت اسلامی، سال ۱۵، شماره ۲، صص ۳۵-۶۹.
- افتخاری، قاسم، و عماد افروغ (۱۳۸۱)، «جامعه‌شناسی، امنیت مؤلفه‌ها و ریشه‌های تاریخی»، راهبرد، شماره ۲۶، صص ۲۴۱-۲۶۳.
- بالوی، مهدی، مهناز بیات کمیته‌کی، و مرجان زارع مهذبیه (۱۳۹۹)، «حکم حکومتی و مصلحت عمومی»، پژوهش‌های نوین حقوق اداری، سال دوم، شماره ۲، صص ۴۷-۶۵.
- بودنهایمر، اردگار، (۱۳۸۷) «درآمدی بر تئوری مصلحت عمومی»، ترجمه محمدراسخ در کتاب: حق و مصلحت؛ مقالاتی در فلسفه حقوق، فلسفه حق و فلسفه ارزش (۱)، تهران، طرح نو.
- بوزان، باری (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، انتشارات پژوهشکده راهبردی.
- بیات کمیته‌کی، مهناز و مهدی بالوی (۱۳۹۶)، «روش حل تعارض حقوق فردی و منافع جمعی در رویه قضائی دادگاه اروپایی حقوق بشر»، تحقیقات حقوقی، دوره ۲۰، شماره ۷۷، صص ۳۱۹-۳۴۴.
- بیات کمیته‌کی، مهناز و مهدی بالوی (۱۳۹۴)، «بازخوانی دکترین مصلحت دولت در پرتو نظریه تعادل»، پژوهش حقوق عمومی، سال ۱۷، شماره ۴۷، صص ۱۲۳-۱۵۵.
- بیدل، پریناز (۱۳۹۵)، «رابطه اعتماد اجتماعی با احساس امنیت و امنیت اجتماعی»، انتظام اجتماعی، سال ۸، شماره ۱، صص ۵۹-۸۸.
- پژوهشکده مطالعات حقوقی و قضائی {برگزارکننده} (۱۴۰۲)، نشست علمی «امنیت روانی شهروندان و نقش قوه قضائیه در صیانت از آن»، تهران، پژوهشگاه قوه قضائیه.
- حسنی‌فر، عبدالرحمن (۱۳۸۳)، «دولت و امنیت اجتماعی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، شماره ۲۳، صص ۱۲۱-۱۴۳.
- دانشی‌کهن، محمدمهدی، عبدالر سول حسنی‌فر، و محمدرضا حسنی (۱۴۰۱)، «تأثیر رسانه‌های جمعی بر احساس امنیت در استان سیستان و بلوچستان»، رسانه و فرهنگ، سال ۱۲، شماره ۲، صص ۱۳۳-۱۳۵.
- دلاور، علی (۱۳۸۴)، ساخت و هنجاریابی شاخص‌های احساس امنیت در تهران، تهران، مرکز تحقیقات کاربردی طرح و برنامه ناجا.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۴)، اصول خبررسانی و برنامه‌سازی در رسانه ملی، تهران، انتشارات سروش.

نقش قوه قضائیه در تأمین امنیت روانی شهروندان در راستای احیای حقوق عامه

- دورکین، رونالد (۱۳۸۱)، «حق چون برگ برنده»، ترجمه محمد راسخ، نامه مفید، شماره ۲۹، صص ۵۳-۷۶.
- رادفر، محمدرضا و اصحاب حبیب‌زاده (۱۳۹۷)، «عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی»، انتظام اجتماعی، سال ۱۰، شماره ۲، صص ۵۳-۸۴.
- راسخ، محمد و مهناز بیات‌کمیتکی، (الف) (۱۳۹۱)، «حق و مصلحت در ترازوی عدالت»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۱۵، ویژه‌نامه شماره ۸، صص ۳۸۵-۴۲۶.
- راسخ، محمد و بیات‌کمیتکی، مهناز (ب) (۱۳۹۱)، «مفهوم مصلحت عمومی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۳۶، صص ۹۳-۱۱۹.
- ربیعی، علی (۱۳۸۷)، مطالعات امنیت ملی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- رجیب‌پور، محمود (۱۳۸۲)، «درآمدی بر احساس امنیت در بستر امنیت عینی»، دانش انتظامی، شماره ۱۸، صص ۲۹-۸.
- رستمی، ولی، مسلم آقایی طوق، و حسن لطفی (۱۳۸۸)، دادرسی عادلانه در مراجع اختصاصی اداری ایران، تهران، گرایش.
- رهنمایی، محمدتقی و موسی پورموسوی (۱۳۸۵)، «بررسی ناپایداری امنیتی کلان‌شهر تهران براساس شاخص‌های توسعه پایدار شهری»، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۷، صص ۱۷۷-۱۹۳.
- روسو، ژان ژاک (۱۳۸۴)، قرارداد اجتماعی، ترجمه منوچهر کیا، تهران، گنجینه.
- زبینه، حسین، سیدامیررضا برقی، و جواد آزادی احمدآبادی (۱۳۹۷)، «نظام مسائل حکمرانی فضای مجازی»، دومین کنفرانس حکمرانی و سیاست‌گذاری عمومی، تهران.
- سلیمانی، فاطمه (۱۳۸۹)، «نسبت مصلحت و امنیت در فقه سیاسی شیعه»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۳، شماره ۵۰، صص ۸۵-۱۱۸.
- سیدر ضی، ابوالحسن محمد بن الحسین بن موسی {گردآورنده} (۱۳۹۹)، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، هادی مجد.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۳)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عباسی، بیژن (۱۳۹۰)، حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، تهران، دادگستر.
- علینقی، امیرحسین (۱۳۷۹)، «امنیت قضائی»، مطالعات راهبردی، دوره ۳، شماره ۱۰، صص ۵۰-۶۴.
- فضائلی، مصطفی (۱۳۸۷)، دادرسی عادلانه در محاکمات کیفری بین‌المللی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ دوم.
- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۸۸)، حقوق بشر در جهان معاصر، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- کامران، حسن، علی شعاع برآبادی (۱۳۸۹)، «بررسی امنیت شهری در شهرهای مرزی مطالعه موردی شهر تایباد»، فصلنامه جغرافیا (انجمن جغرافیایی ایران)، سال ۸، شماره ۲۵، صص ۴۶-۲۵.

- کبگانی، محمدحسن، مصطفی منصوریان، و فاطمه افشاری (۱۴۰۲)، «واکاوی مفهومی «احیای حقوق عامه» با مطالعه تطبیقی دعاوی منفعت عمومی»، پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، سال ۲۴، شماره ۲، صص ۲۸۵-۳۱۵.
- کلاهچیان، محمود (۱۳۸۴)، «راهکارهای تحقق امنیت اجتماعی»، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، معاونت اجتماعی ناجا، تهران، انتشارات گلپویه.
- ماندل، رابرت (۱۳۷۹)، چهره متغیر امنیت ملی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مجلسی، بحارالانوار ج، ۷۸، ۱۷۰ مجلسی، محمدباقر (بی‌تا)، بحارالانوار، قم، دارالکتب الاسلامیه.
- مهرداد، هرمز (۱۳۸۰)، مقدمه‌ای بر نظریات و مفاهیم ارتباط جمعی، تهران، فاران.
- نبوی، سیدعبدالحسین، علی حسین حسین‌زاده، و سیده‌هاجر حسینی، (۱۳۸۹)، «بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی»، جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۱، شماره ۴۰، صص ۷۳-۹۶.
- نجارزادگان، فتح‌اله، روح‌الله شهیدی، و سیده‌راضیه توسل (۱۳۹۶)، «بررسی تطبیقی معناشناسی اولی الامر در آیات ۵۹ و ۸۳ سوره نساء از دیدگاه فریقین»، پژوهش‌های تفسیر تطبیقی، دوره ۳، شماره ۶، صص ۲۳-۵۰.
- نویدنیا، منیژه (۱۳۸۹)، «اولویت امنیتی شهروندان در مناطق مختلف شهر تهران»، جغرافیای انسانی، سال دوم، شماره ۲، صص ۸۷-۹۹.
- هاشمیان‌فر، سیدعلی و زهراسادات کشاورز (۱۳۹۱)، «بررسی جامعه‌شناختی گستره احساس امنیت اجتماعی در شهر اصفهان»، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال اول، شماره ۳، صص ۳۹-۶۲.

منابع انگلیسی

- Boldrin, M & De Nardi, M & Larry, E, (2015), 'Fertility and Social Security', **Journal of Demographic Economics**, No 81.
- Buzan, Barry & Weaver, Ole & Jaap de Wilde (1998), 'Security: A New Framework for Analysis', Available at:
- <http://www.drake.edu/artsci/PolSci/personalwebpage/scurity.Html>
- Erdonmez, Erhan (2009), 'The Effect of Media on Citizens' Fear of Crime in Turkey', PhD Dissertation, University of North Texas.
- Jones, Richard Wyne (1999), Security, Strategy and Critical Theory, London, Lynne Rienner Publications.
- Marczak, Magdolena (2004), 'Victimization and the Fear of Crime in Vancouver', Master of Arts Dissertation, Simon Fraser University.
- Roe. Paul (1996), "The Societal Security Dilemma" Copenhagen peace research institute (COPRI) Working papers.